

کتاب دانیال - شماره هفتاد و پنج

شبهات‌های نبوی: از پیام اشعیا تا مکاشفات عصر حاضر

Jeff Pippenger

2024-02-08

آنگاه که اشعیا پیامی را که شصت و پنج سال نمایانگر آن است (باب هفتم، آیه هشتم) به پیشوای شریب اورشلیم ارائه می‌کند، این کار را در کنار «میدان رخت‌شویان» و «پایان مجرای آب استخر بالایی» در سال ۷۴۲ قبل از میلاد انجام می‌دهد. ۷۴۲ قبل از میلاد نمایانگر ۱۸۶۳ است، زیرا عیسی همواره پایان را با آغاز تصویر می‌کند. شورش ۱۸۶۳ نیز به نوبه خود نمایانگر قانون یکشنبه در ایالات متحده است، زیرا عیسی همیشه پایان یک چیز را با آغاز همان چیز نشان می‌دهد. ۱۸۶۳ آغاز کلیسای ادونتیست لاودیکیه‌ای ثبت شده قانونی بود، و آن کلیسا در «زلزله عظیم» قانون یکشنبه متروک می‌ماند. چگونه یک شخصیت حقوقی که از نظر قانونی تحت حاکمیت دولت است (نه برعکس، یعنی کلیسا دولت را کنترل کند)، می‌تواند در زمانی که همان دولت از لحاظ قانونی عبادت در روز هفتم را ممنوع می‌کند، همچنان به پاسداشت سبت روز هفتم ادامه دهد؟

در آغاز و پایان خدمت مسیح، او هیکل را پاک‌سازی کرد. در نخستین پاک‌سازی هیکل، مسیح اعلام کرد که رهبران «خانه پدرش» را به غار دزدان بدل کرده‌اند، اما در آخرین پاک‌سازی هیکل اعلام کرد که «خانه ایشان» برایشان ویران رها شده است. اسرائیل باستان نمونه‌ای برای اسرائیل معاصر است. او در آغاز ادونتیسم، هیکل میلری را برپا ساخت و تطهیر کرد، اما در پاک‌سازی نهایی، یعنی پاک‌سازی یکصد و چهل و چهار هزار نفر، ادونتیسم لاودیکی از دهان او بیرون افکنده می‌شود و آنگاه «خانه ایشان» ویران رها می‌شود.

اشعیا هنگام روبه‌رو شدن با پادشاه آحاز در میدان قصاران است. میدان قصاران نماد پالایشی است که به وسیله فرستاده عهد انجام می‌شود؛ همان که ناگهان به هیکل خود می‌آید و پسران لاوی را همچون «صابون قصار» پاک می‌کند. این پالایش در آغاز جنبش ادونتیست انجام شد و در پایان دوباره انجام می‌شود.

اینک، من فرستاده خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جوید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، همان فرستاده عهد که در او خوشی می‌یابید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که بتواند روز آمدنش را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالاینده است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره تصفیه خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی را به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام کهن و سال‌های پیشین. ملاکی ۱:۳-۴.

اشعیا آحاز را، با نشانه پسرش، ملاقات می‌کند؛ پسری که نامش نماد این است که در ایام آخر «باقی‌مانده بازخواهد گشت». باقی‌مانده همان کسانی‌اند که «بازمی‌گردند». اشعیا در خلال تاریخ تطهیر هیکل با پادشاه شریب آحاز دیدار می‌کند؛ روندی که در تاریخ میلری‌ها در سال ۱۸۴۴ آغاز شد و در سال ۱۸۶۳ با نافرمانی خاتمه یافت. در ایام آخر، این تطهیر همان تاریخ مهر و موم شدن صد و چهل و چهار هزار نفر است. اگر میلری‌ها از گشایش مشیت الهی که پس از ۱۸۴۴ آشکار شد پیروی کرده بودند، کار را به انجام رسانده بودند.

اگر ادونتیست‌ها پس از ناامیدی بزرگ سال ۱۸۴۴ بر ایمان خود استوار می‌مانند و در مشیت مکشوف خدا یکدلانه پیش می‌رفتند، پیام فرشته سوم را می‌پذیرفتند و با قدرت روح القدس آن را به جهان اعلام می‌کردند، نجات خدا را می‌دیدند؛ خداوند نیرومندان در کنار تلاش‌هایشان عمل می‌کرد، کار به انجام می‌رسید و مسیح پیش از این آمده بود تا قوم خود را برای دریافت پاداش‌شان بپذیرد. اما در دوره شک و عدم قطعیتی که پس از آن ناامیدی پیش آمد، بسیاری از ایمانداران ظهور از ایمان خود دست کشیدند... بدین‌سان کار دچار وقفه شد و جهان در تاریکی رها گردید. اگر تمام بدنه ادونتیست بر احکام خدا و ایمان عیسی یکدل می‌شد، تاریخ ما تا چه اندازه متفاوت می‌بود! بشارت، ۶۹۵.

ناکامی در «یکدلانه پیش رفتن در مشیت گشوده خدا» تا سال ۱۸۵۶ آنان را به وضعیتی لاودیکی کشاند، و شورش متعاقب ۱۸۶۳ آغاز سرگردانی در بیابان را رقم زد؛ سرگردانی‌ای که در اسرائیل باستان به تصویر کشیده شده بود، آنگاه که آنان در دهمین و آخرین آزمون خود مردود شدند و سپس محکوم شدند که طی چهار سال بعدی در بیابان جان بسپارند.

پسر اشعیا این وعده را می‌دهد که در تطهیر نهایی هیکل در آخرالایام «باقی‌مانده بازخواهد گشت». این «بازگشت» با ارمیا نشان داده شده است؛ به او وعده داده شد که اگر «بازگردد»، دیدبان خدا خواهد شد. صد و چهل و چهار هزار کسانی هستند که پس از سرخوردگی بازگشته‌اند.

آنان که همان صد و چهل و چهار هزارند، یک سرخوردگی را تجربه کرده و در انتظار خداوند خود مانده‌اند. در تاریخ میلریتی، آنان به وسیله دوشیزگان دانا تمثیل شده‌اند، و در هر دو تاریخ آغاز و انجام، در هنگام افاضه روح القدس در زمان فریاد نیمه‌شب، دو چوب به یک قوم واحد پیوند داده می‌شوند.

آحاز پادشاه شریب نماینده رهبری یهوداست که پیام را شنیده‌اند، اما پیامی را که اشعیا ارائه کرده رد می‌کنند و بدین‌سان «لغزش می‌خورند و می‌افتند و شکسته می‌شوند و در دام می‌افتند و گرفته می‌شوند». آنان همان کسانی‌اند که «به احضارکنندگان ارواح و به جادوگرانی که زیرلب زمزمه می‌کنند و پچ‌پچ می‌کنند» متوسل می‌شوند، که بیانگر تجربه روح‌گرایی‌ای است که با پذیرفتن گمراهی شدید دوم تسالونیکیان به آن تن می‌دهند. رد پیام اشعیا از سوی آحاز در ۷۴۲ ق.م. با سال ۱۸۶۳، زمانی که پیام میلر رد شد، مطابقت دارد. اشعیا نماد میلر است و پیام هر دوی آنان بر «هفت زمان» استوار بود که نقطه اتکاپیش را در آیه هشت باب هفتم اشعیا می‌یابد. پسر میلر (پسر اشعیا) نماینده جنبش ایلیا است که در روزهای آخر می‌آید.

اعلان علیه آحاز به سبب رد او، شامل پیشگویی تسخیر شدن به دست پادشاه شمال بود؛ پادشاهی که در ایام آخر همان اتحاد سه‌گانه روم مدرن است که زیر سلطه پاپ‌سالاری قرار دارد.

خداوند بار دیگر به من سخن گفت و فرمود: از آن‌رو که این قوم آب‌های شیلوح را که آرام روان‌اند نمی‌پسندد و به رصین و پسر رملیا شادمان است، پس اینک خداوند بر آنان آب‌های آن رود را، نیرومند و بسیار، برمی‌انگیزد؛ یعنی پادشاه آشور با همه شکوهش. او از همه مجاری‌اش بالا خواهد آمد و از همه کرانه‌هایش خواهد گذشت. و از یهودا خواهد گذشت؛ سرریز کرده عبور خواهد کرد، تا به گردن خواهد رسید؛ و گسترش بال‌های او پهناى سرزمین تو را پر خواهد کرد، ای عمانوئیل. اشعیا ۸:۵-۸.

اشعیا با پادشاه شریب آحاز در انتهای آبگذر حوض بالایی دیدار کرد، و هرچند در میان تاریخ‌نگاران کتاب مقدس و باستان‌شناسان این تردید هست که آیا حوض بالایی همان حوض سیلوام در زمان مسیح بوده است یا نه، زمینه نبوت اشعیا هرگونه تردیدی را برطرف می‌کند؛ زیرا اشعیا تصریح می‌کند که پادشاه شمال قرار بود بر آحاز یورش آورد، چون او آب‌های شیلوح را که به آرامی جاری است، رد کرده بود. «شیلوح» نامی است که در عهد عتیق برای همان «سیلوام» عهد جدید به‌کار می‌رود.

در برکهٔ سیلوم بود که عیسی مرد نابینا را شفا داد، و پادشاه شرور آحاز نمایانگر رهبری نابینای لاودیکه‌ای است—هم در سال ۱۸۶۳ و هم در هنگام قانون یکشنبه‌ای که به زودی فرا می‌رسد—رهبری‌ای که از شفا یافتن سر باز می‌زند. «شیلوآه» و «سیلوم» هر دو به معنای «فرستاده‌شده» هستند، و پیامی از پدر به پسر فرستاده شد، و او آن را به جبرئیل و فرشتگان مقدس سپرد تا به اشعیا برسانند؛ و اشعیا آن پیامی را که از آسمان «فرستاده» شده بود، نزد یک رهبر نابینای لاودیکه‌ای آورد.

مجرای حوض بالا، جایی که اشعیا پیام را ابلاغ کرد، نمایانگر مکانی است که در آن باران روح‌القدس به قوم خدا رسانده می‌شود؛ چنان‌که لوله‌های زرین، رؤیای زکریا یا نردبان خواب یعقوب نیز آن را نشان می‌دهند.

آنچه خدا برای ما مهیا کرده است در کتاب زکریا، فصل‌های ۳ و ۴، و آیات ۱۲ تا ۱۴ فصل ۴، نمایان است: «و بار دیگر پاسخ داده، به او گفتم: این دو شاخه زیتون که از طریق دو لولهٔ زرین روغن زرین را از خود فرو می‌ریزند، چه هستند؟ او پاسخ داد و گفت: آیا نمی‌دانی این‌ها چه هستند؟ گفتم: نه، سرورم. آنگاه گفت: این‌ها دو مسح‌شده‌اند که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند.»

خداوند سرشار از منابع است. او هیچ کمبود امکاناتی ندارد. به سبب کم‌ایمانی ما، دنیا دوستی ما، حرف‌های پوچ و بیهوده‌مان، و بی‌ایمانی ما که در گفت‌وگوهای مان آشکار می‌شود، سایه‌های تیره گرد ما جمع می‌شوند. مسیح در کلام یا منش، به‌عنوان آن که تماماً دلپسند است و ممتازتر از ده‌هزار، آشکار نمی‌شود. هنگامی که جان راضی می‌شود خود را به بطالت بفرارزد، روح خداوند نمی‌تواند کار چندانی برای آن انجام دهد. دید کوتاه‌بین ما سایه را می‌بیند، اما شکوه فراسوی آن را نمی‌تواند ببیند. فرشتگان چهار باد را نگه می‌دارند؛ چهار بادی که به صورت اسبی خشمگین تصویر شده است و می‌کوشد خود را رها کند و بر چهره سراسر زمین بتازد و در مسیر خود ویرانی و مرگ را به همراه می‌آورد.

آیا در خود آستانهٔ جهان ابدی به خواب رویم؟ آیا بی‌حس و سرد و مرده باشیم؟ آه، کاش در کلیساهای مان روح و دم خدا در قوم او دمیده می‌شد تا بر پاهای خود بایستند و زنده شوند. باید دریابیم که راه تنگ است و در تنگ. اما چون از آن در تنگ می‌گذریم، پهناوری‌اش بی‌کران است. Manuscript Releases، جلد ۲۰، صفحات ۲۱۶، ۲۱۷.

«روغن زرین»، پیام‌های روح خداست که از حوض بالا از راه مجرای که همان دو لولهٔ زرین‌اند و همان دو شاهد به‌شمار می‌آیند. یعنی «کتاب مقدس و روح نبوت»، یا «عهد عتیق و عهد جدید»، یا «شریعت و انبیا»، یا «موسی و الیاس». - فرو می‌آید.

مسح‌شدگانی که در کنار خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، مقامی را دارند که زمانی به شیطان، کروب پوشاننده، داده شده بود. خداوند از طریق موجودات مقدسی که گرداگرد تخت او هستند، رابطه‌ای پیوسته با ساکنان زمین حفظ می‌کند. روغن زرین نماد فیضی است که خدا با آن چراغ‌های ایمانداران را تأمین می‌کند تا سوسو زنند و خاموش نشوند. اگر چنین نبود که این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته می‌شود، عوامل شر بر انسان‌ها به‌طور کامل تسلط می‌یافتند.

خدا بی‌حرمت می‌شود هنگامی که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد نپذیریم. بدین‌سان روغن زرین را که می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که ندایی برسد: «اینک داماد می‌آید؛ بیرون روید به استقبال او»، آنانی که روغن مقدس را نپذیرفته‌اند، که فیض مسیح را در دل‌های خود گرامی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند دید که برای ملاقات خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به دست آوردن آن

روغن را ندارند و زندگی‌شان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بخواهیم، اگر چون موسی تضرع کنیم: «جلال خود را به من بنما»، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. به وسیله لوله‌های زرین، روغن زرین به ما انتقال خواهد یافت. «نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من»، می‌فرماید خداوند لشکرها. با دریافت پرتوهای درخشان خورشید عدالت، فرزندان خدا همچون چراغ‌ها در جهان می‌درخشند. Review and Herald، ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۷.

پیامی که آحاز آن را رد می‌کرد، همان پیام «فریاد نیمه‌شب» بود که اگر رهبران لاودیکه پیام خطاب به لاودیکه را که در سال ۱۸۵۶ «برایشان فرستاده» شده بود می‌پذیرفتند، به اوج خود می‌رسید و به بازگشت دوم مسیح می‌انجامید. آنگاه آن پیام به «فریاد بلند» تبدیل می‌شد و قوم خدا کار را به پایان می‌رساند و به آرامش می‌رسید. اما به‌جای آن، آنان به استفراغی که از آن رهایی یافته بودند بازگشتند.

اشعیا و آحاز چنان به تصویر کشیده شده‌اند که گویی در فرایند تطهیر صحرای قصارند؛ فرایندی که در ملاکی باب سوم به دست فرستاده عهد به انجام می‌رسد. به‌گونه‌ای نمادین در جایی قرار دارند که در رؤیای زکریا «روغن» (یک پیام) ریخته می‌شود، و در روزهای آخر، پیام اشعیا به آحاز همان پیام اسلام وای سوم است؛ این، پیام تاریخ پنهان هفت رعد است؛ این، پیام اینکه هشتمی از آن هفت است؛ این، پیام تاکستان است؛ این، پیام «حقیقت» است—که همگی عناصری از مکاشفه عیسی مسیح‌اند—و در روزهای آخر تطهیری را پدید می‌آورند که با صحرای قصار نمایانده شده است.

این همچنین پیام «هفت زمان» بود و هست؛ پیامی که از سنگ بنیاد میلر به سنگ زاویه بدل می‌شود، زیرا نخستین حقیقت بود و بنابراین باید آخرین حقیقت باشد. 1863 پایان فرایند پالایشی را نشان داد که با آمدن فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 آغاز شد و سرانجام در 1856 به نور «هفت زمان» رسید. در 1844 نور دو هزار و سیصد سال آغازی را رقم زد که به پایانی انجامید که با دو هزار و پانصد و بیست سال مشخص شد. با این حال، کوری لائودیکه‌ای در آغاز و انجام از دیدن رابطه دو روپا سر باز می‌زند. 1863 نمایانگر پایان فرایند پالایشی است که هرگاه پیامی مهرگشایی شود رخ می‌دهد، و پیام فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 مهرگشایی شد.

نوری که از فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ مهرش گشوده شد، نور یگانه‌ای نبود؛ همان است که خواهر وایت از آن به «نور پیش‌رونده فرشته سوم» تعبیر می‌کند. نور پیش‌رونده فرشته سوم در ۱۸۴۴ آغاز شد و تا بسته شدن مهلت ادامه می‌یابد، اما هم در زمانی که نخستین بار پدیدار شد و هم هنگامی که سرانجام پایان می‌یابد، یک دوره آزمون مشخص فرشته سوم وجود دارد. آن دوره‌های آزمون در آغاز و در پایان، همچنین نمایانگر فرایند آزمونی هستند که دانیال آن را «افزایش معرفت» می‌خواند، و این نیز همان نور پیش‌رونده فرشته سوم است.

فرایند آزمون در آغاز در سال ۱۸۴۴ شروع شد و نور پیش‌رونده در معرفت افزایش یافت تا آن که در سال ۱۸۵۶ به انجام خود رسید. نور آغازین و نور پایانی دوره آزمون، همان دو رؤیای دانیال، باب هشتم، آیات سیزده و چهارده به‌شمار می‌روند که نمایانگر بنیاد و ستون مرکزی ادونتیسم‌اند.

دوره آزمون فرشته نخست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد و در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ با نخستین ناامیدی پایان یافت. سپس دوره آزمون فرشته دوم آغاز شد و تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ادامه یافت. در آن زمان فرشته سوم از راه رسید و دوره آزمون فرشته سوم ادامه یافت تا آن که ادونتیسیم لائودیکه‌ای در سال ۱۸۶۳ نور فرشته سوم را رد کرد.

دوره امتحان فرشته سوم برای ادونتیسیم میلریتی آغاز و پایانی داشت، و آغاز و پایان باید همان چیز را نمایان سازند، زیرا عیسی همواره پایان چیزی را با آغاز آن چیز تصویر می‌کند. گشایش نور پیش‌رونده

فرشته سوم، نور ظهور (رؤیت «mareh») در آیه چهاردهم باب هشتم کتاب دانیال بود. پایان نور پیش‌رونده فرشته سوم، نور لگدمال شدن قدس و لشکر (رؤیت «chazon») در آیه سیزدهم بود. این دو رؤیت به طور نبوی در هم تنیده‌اند.

آنگاه در روز دهم ماه هفتم، در روز کفاره، شیپور یوبیل را به صدا درآورد؛ شیپور را در سراسر سرزمین خود به صدا درآورد. لاویان ۲۵:۹.

شیپوری که قرار بود در روز کفاره، یعنی ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، نواخته شود، شیپور یوبیل بود؛ نماد چرخه مقدس هفت‌ساله‌ای که معادل دو هزار و پانصد و بیست روز است. خداوند قصد داشت اسرائیل باستان را مستقیماً به سرزمین موعود هدایت کند، اما نافرمانی آنان مانع از تحقق آن شد. خداوند قصد داشت اسرائیل امروزی را نیز مستقیماً به سرزمین موعود هدایت کند، اما نافرمانی مانع از تحقق آن شد. اگر اسرائیل امروزی مطیع نور فزاینده فرشته سوم شده بود، به جهان هشدار داده بود و خداوند بیش از صد سال پیش بازگشته بود.

برای اینکه آن رخ دهد، لازم بود خداوند تحولی در میان پیروان میلر به وجود آورد، و در کتاب مقدس از آن تحول به عنوان سر خدا یاد شده است. اگر ادونتیسیم از نور پیش‌رونده فرشته سوم پیروی کرده بود، آنگاه کرنای یوبیل تا به پایان به صدا درمی‌آمد؛ زیرا در روزهایی که کرنای هفتم به صدا درمی‌آید، سر خدا به انجام می‌رسد. در باب دو مکاشفه، آن کرنای — که همان کرنای یوبیل و نیز کرنای سومین وای است — در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به صدا درآمد.

و آن فرشته‌ای که دیدم بر دریا و بر زمین ایستاده بود، دست خود را به سوی آسمان بالا برد و به او که تا ابدالآباد زنده است، که آسمان و آنچه در آن است و زمین و آنچه در آن است و دریا و آنچه در آن است را آفرید، سوگند یاد کرد که دیگر زمانی نخواهد بود؛ اما در روزهایی که صدای فرشته هفتم بلند شود، آنگاه که آغاز به نواختن کند، سر خدا، چنان‌که به بندگان خود، یعنی پیامبران، اعلام کرده است، به انجام خواهد رسید. مکاشفه ۱۰:۵.

فرایند تطهیر آزمونگر که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد و نور پیش‌رونده فرشته سوم بود، با نور دانیال، باب هشتم، آیه چهاردهم آغاز شد و با نور دانیال، باب هشتم، آیه سیزدهم پایان یافت. این فرایند با پاسخ آیه چهاردهم آغاز شد و با پرسش آیه سیزدهم پایان یافت.

مشخصه آن نوزده سال، رسیدن پیام هشدارآمیز اشعیا به آحاز، پادشاه یهودای واقعی، در خلال جنگ داخلی میان شمال و جنوب بود. آن نوزده سال با این پایان یافت که پادشاه شمال، اسرائیل را به بردگی برد. آن نوزده سال، نمادی از رسیدن فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ تا شورش ۱۸۶۳ بود. نور فزاینده فرشته سوم از طریق پیام اشعیا نمایانده شد.

رد آن نور پیش‌رونده به پایان جنبش میلری انجامید، و در آن دوره آزمون، جنبش میلری فیلادلفی به کلیسای لائودکیه گذار کرد. نوزده سالی که از سال 742 پیش از میلاد آغاز شد، و نوزده سالی که از سال 1844 آغاز شد، هر دو نمایانگر فرایند آزمون و تطهیر در ایام آخر هستند؛ یعنی آخرین دوره آزمون نور پیش‌رونده فرشته سوم.

در آن فرایند آزمایش نهایی، راز خدا به پایان خواهد رسید. آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، همان کسانی‌اند که منتظر می‌مانند، بازمی‌گردند و مهر می‌شوند.

شهادت را ببند، شریعت را در میان شاگردانم مهر و موم کن. و من برای خداوند انتظار خواهم کشید، او که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان می‌کند، و او را خواهم جست. اینک من و فرزندانم که خداوند به من داده است، برای آیات و عجایب در اسرائیل هستیم، از جانب خداوند لشکرها که در کوه صهیون ساکن است. اشعیا ۸: ۱۶-۱۸.

دوره آزمایشی پایانی نور پیش‌رونده فرشته سوم در روزهای آخر، از همان‌جایی آغاز شد که دوره آزمایشی آغازین شروع شده بود. این زمانی آغاز شد که عیسی دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و اعلام نمود: «دیگر زمانی در کار نخواهد بود.» آن اعلام در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ رخ داد، زمانی که کرنای هفتم در پایان چرخه مقدس هفت، سال یوبیل را اعلام کرد. چرخه هفت‌ساله که هفت بار تکرار شد، دقیقاً چهل‌ونه سال، یا دو هزار و پانصد و بیست روز بود.

سال ۱۹۸۹ در جنبش صد و چهل و چهار هزار، نشانگر «زمان پایان» است، و سال ۱۹۸۹ پایان صد و بیست و شش سالگی را نیز نشان می‌دهد که با شورش ۱۸۶۳ آغاز شد. جنبش صد و چهل و چهار هزار در «زمان پایان»، با نمادی از «هفت زمان» آغاز شد، زیرا صد و بیست و شش یک‌دهم هزار و دویست و شصت است که خود نصف دو هزار و پانصد و بیست است.

عیسی همواره پایان هر چیز را با آغاز آن نشان می‌دهد، و آغاز حرکت صد و چهل و چهار هزار با نمادی از «هفت زمان» مشخص شد؛ همان‌طور که در پایان این حرکت نیز چنین است. روزهای شیپورنوازی فرشته هفتم، زمانی که راز خدا به انجام می‌رسد، در پایان «سه‌ونیم» روز باب یازدهم مکاشفه آغاز شد. شیپور هفتم، که همچنین وای سوم است، دومین نغمه خود را در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نواخت، و راز خدا اکنون در حال به پایان رسیدن است، چنان‌که «آن را به خدمتگزاران خود، انبیا، اعلام کرده است». پایان این حرکت نیز با نمادی از «هفت زمان» مشخص می‌شود، همان‌گونه که آغاز همین حرکت چنین بود.

در زمان پایان، در سال ۱۷۹۸، دوره «هفت زمان» خشم خدا بر ضد پادشاهی شمالی پایان یافت، و در پایان جنبش میلری‌ها، رد حقایق مرتبط با «هفت زمان»، نشانگر شورش ۱۸۶۳ بود. عیسی همواره پایان چیزی را با آغاز آن چیز نشان می‌دهد، و جنبش فرشته نخست (میلری‌ها)، جنبش فرشته سوم (یکصد و چهل و چهار هزار) را نشان می‌دهد. هر دو جنبش با «هفت زمان» آغاز می‌شوند و با «هفت زمان» پایان می‌یابند. این چیزها را نمی‌شود از خود درآورد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

کسانی که در مناصب مسئولیت قرار دارند، نباید به اصول لذت‌جویانه و اسراف‌آمیز جهان بگردند، زیرا برایشان میسر نیست؛ و اگر هم می‌بود، اصول مسیح‌گونه اجازه آن را نمی‌داد. باید تعلیمات گوناگون داده شود. "چه کسی را تعلیم دهد تا دانایی بیاموزد؟ و چه کسی را بفهماند تا آموزه را درک کند؟ آنان که از شیر باز شده‌اند و از پستان جدا گشته‌اند. زیرا باید فرمان بر فرمان باشد، فرمان بر فرمان؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی در اینجا و اندکی در آنجا." پس کلام خداوند باید با شکیبایی در برابر فرزندان آورده و پیوسته پیش چشم ایشان نگاه داشته شود، به دست والدینی که به کلام خدا ایمان دارند. "زیرا با لب‌های لکنت‌دار و زبانی دیگر با این قوم سخن خواهد گفت. به آنان گفت: این است آرامشی که به وسیله آن می‌توانید خستگان را آرام دهید؛ و این است تجدید قوا؛ اما نخواستند بشنوند. ولی کلام خداوند برای ایشان شد: فرمان بر فرمان، فرمان بر فرمان؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی در اینجا و اندکی در آنجا؛ تا بروند به قفا افتند و شکسته شوند و در دام افتند و گرفته شوند." چرا؟ زیرا به کلام خداوند که به آنان رسید، گوش نسپردند.

این به کسانی اشاره دارد که تعلیم نیافته‌اند، اما خرد خود را گرامی داشته و بر آن شده‌اند که مطابق اندیشه‌های خود عمل کنند. خداوند اینان را می‌آزماید تا یا پیروی از هدایت او را برگزینند، یا نپذیرند و طبق اندیشه‌های خویش عمل کنند، و آنگاه خداوند ایشان را به پیامد قطعی و می‌گذارد. در همه راه‌های ما، در همه خدمت ما به خدا، او با ما سخن می‌گوید: «دل خود را به من بده.» خدا روحی تسلیم و تعلیم‌پذیر را می‌خواهد. آنچه به دعا فضیلت می‌بخشد این است که از دلی پرمحبت و مطیع برمی‌خیزد.

خدا از قوم خود امور معینی را می‌طلبد؛ اگر بگویند: «دل خود را برای انجام این کار تسلیم نمی‌کنم»، خداوند آنان را در داوری حکیمانه پنداشته خود، بی‌حکمت آسمانی، وا می‌گذارد تا به راه خود ادامه دهند، تا وقتی که این آیه [اشعیا ۳۸:۱۳] تحقق یابد. شما نباید بگویید: «من از هدایت خداوند تا جایی که با داوری من هماهنگ است پیروی می‌کنم»، و سپس به اندیشه‌های خود سخت بچسبید و نپذیرید که مطابق شباهت خداوند شکل داده شوید. بگذارید این پرسش مطرح شود: «آیا این اراده خداوند است؟» نه: «آیا این نظر یا داوری - است؟» شهادت‌ها برای خادمان،
۴۱۹.